

Explaining the Relationship between Relative Deprivation Feeling and Political Satisfaction (Case study: 18-35 year old youth living in Isfahan)

Hajar Sadeghiyan¹
Hossein Masoudnia^{2*}
Hamid Nassaj³
Mahmoudreza Rahbar Ghazi⁴

Received on: 04/04/2021
Accepted on: 03/07/2021

Abstract

Having the support and continuation of society's satisfaction with domestic and foreign policies is a sign of an efficient political system. As the largest population group, young people have a special role and importance for the political stability of a society and its dynamism and vitality in terms of special characteristics of youth. Investigating the issue of political satisfaction of the youth from the point of view that this group has always had an impact on the political developments in Iran, It will bring research closer to recognizing and understanding the political satisfaction of Iranian society. One of the factors affecting youth satisfaction that has been proposed in various theories, including the theory of relative deprivation by Ted Robertger, is the degree of relative deprivation in the youth of a society. The purpose of this study was to assess the effect of the feeling of relative deprivation on the political satisfaction of the youth of Isfahan. This study was conducted by descriptive and survey method and the study sample consisted of 395 young people aged 18 to 35 years old in Isfahan who were selected by random sampling method. Questionnaire tools were used to collect data, its validity has been measured by form-content method and its reliability has been measured by Cronbach's alpha statistic. Data analysis was done using SPSS and AMOS software. "The main hypothesis of the study is that as political feelings of relative deprivation increase among young people, so does their political satisfaction." Experimental findings confirm the main hypothesis of research in the statistical population. Also, the feeling of relative deprivation is inversely correlated with political satisfaction and is relatively strong.

Keywords: political satisfaction, feeling of relative deprivation, inequality, youth, Isfahan.

-
1. Ph.D Student in Political Siences, Faculty of Administrative Sciences and Economics, University of Isfahan. (Email: H_sadeghiyan2010@yahoo.com)
 - 2* . Associate Professor, Department of Political Sciences, Faculty of Administrative Sciences and Economics, University of Isfahan. (Corresponding Author: h.masoudnia@ase.ui.ac.ir)
 - 3 . Associate Professor, Department of Political Sciences, Faculty of Administrative Sciences and Economics, University of Isfahan. (Email: h.nassaj@ase.ui.ac.ir)
 - 4 . Associate Professor, Department of Political Sciences, Faculty of Administrative Sciences and Economics, University of Isfahan. (Email: m.rahbarghazi@ase.ui.ac.ir)

تبیین رابطه احساس محرومیت نسبی با رضایتمندی سیاسی (مورد مطالعه: جوانان ۱۸ تا ۳۵ ساله ساکن شهر اصفهان)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۱۲

هاجر صادقیان^۱

حسین مسعودنیا^{۲*}

حمید نساج^۳

محمودرضا رهبرقاضی^۴

چکیده

برخورداری از حمایت و تداوم رضایت افراد جامعه نسبت به سیاست های داخلی و خارجی از نشانه های یک نظام سیاسی کارآمد است. جوانان به عنوان بزرگ ترین گروه جمعیتی به لحاظ ویژگی های خاص دوران جوانی نقش و اهمیت خاصی برای ثبات سیاسی یک جامعه و پویایی و نشاط آن دارند. بررسی موضوع رضایتمندی سیاسی جوانان از این نظر که این قشر همواره در تحولات سیاسی کشور ایران صاحب تأثیر بوده است، تحقیق را به شناخت و فهم رضایتمندی سیاسی جامعه ایرانی نزدیک خواهد کرد. از جمله عوامل موثر بر رضایتمندی جوانان که در نظریات مختلف از جمله نظریه محرومیت نسبی تد رابرت گر مطرح شده، میزان احساس محرومیت نسبی در جوانان یک جامعه است. هدف از انجام این پژوهش سنجش میزان تأثیر احساس محرومیت نسبی بر رضایتمندی سیاسی جوانان شهر اصفهان بوده است. این مطالعه به روش پیمایشی و توصیفی انجام شده و نمونه مورد مطالعه شامل ۳۹۵ نفر از جوانان ۱۸ تا ۳۵ ساله شهر اصفهان بوده است که به روش نمونه گیری تصادفی انتخاب شدند. برای جمع آوری داده ها از ابزار پرسشنامه استفاده شده و اعتبار آن به روش صوری - محتوایی و پایایی آن به کمک آماره آلفای کرونباخ سنجیده شده است. تحلیل داده ها نیز با استفاده از نرم افزارهای SPSS و AMOS صورت گرفت. فرضیه اصلی تحقیق این گونه بیان شده که با افزایش احساس محرومیت نسبی در بین جوانان رضایتمندی سیاسی آنها کاهش می یابد. یافته های تجربی حاکی از تأیید فرضیه اصلی تحقیق در جامعه آماری است، همچنین احساس محرومیت نسبی با رضایتمندی سیاسی همبستگی معکوس و نسبتاً قوی دارد.

واژگان کلیدی: رضایتمندی سیاسی، احساس محرومیت نسبی، نابرابری، جوانان، شهر اصفهان.

۱. دانشجوی دکتری جامعه شناسی سیاسی دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان (صفحه ۲۲۸-۱۹۷)

(H_sadeghiyan2010@yahoo.com)

۲. دانشیار گروه علوم سیاسی دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول: h.masoudnia@ase.ui.ac.ir)

۳. دانشیار گروه علوم سیاسی دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان (h.nassaj@ase.ui.ac.ir)

۴. دانشیار گروه علوم سیاسی دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان (m.rahbarghazi@ase.ui.ac.ir)

مقدمه

رضایتمندی سیاسی به عنوان یکی از انواع رضایتمندی از شاخص‌های مهم توسعه اجتماعی و سیاسی در کشورها به شمار می‌رود. در این میان رضایتمندی سیاسی جوانان به عنوان بزرگترین گروه جمعیتی در کشورهای در حال توسعه و همچنین ایران اهمیت خاصی برای ثبات سیاسی و پویایی جامعه دارد. میزان رضایت مردم و خصوصاً جوانان از نظام سیاسی در تحقق زندگی بهتر و جامعه‌ای توسعه یافته تر، اثر قابل توجهی دارد. رضایتمندی وسیع سیاسی به خصوص اگر به صورت سازمان یافته انجام پذیرد، از بی تفاوتی، تکرار و از خود بیگانگی سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جلوگیری می‌کند و سبب کاهش تعارضات سیاسی و نابرابری اجتماعی می‌شود نیروی همبستگی و وحدت ملی را تقویت می‌کند (قبادی و جعفری، ۱۳۹۳: ۱۴۹).

کارگزاران سیاسی به دنبال شناخت و رفع موانع مشارکت سیاسی و اجتماعی مردم و جلب رضایت عمومی آنها هستند و به همین دلیل، توانمندسازی آحاد مردم و جلب مشارکت و نظر تمام آن‌ها در رابطه با نهادهای دولتی، از نظر سیاسی ضروری به نظر می‌رسد. یکی از انواع ارتباط و تعامل در جوامع که باید مورد توجه قرار گیرد، ارتباط بین مردم و حاکمیت است. ارتباط مردم با حاکمیت به دلیل رفع نیازهای خود به خصوص نیازهای مرتبط با امنیت، آسایش و رفاه و نیازهای مربوط به مشارکت در امور مختلف جامعه، ضروری است؛ و این ضرورت با پیشرفته شدن جوامع و تغییر مناسبات حاکم بر آن بیش از پیش احساس می‌شود. به گونه‌ای که به قول آنتونی گیدنز امروزه جدایی کامل از نظام سیاسی امکان پذیر نیست. متقابلاً دولت‌ها نیز به ارتباط با مردم نیاز دارند و دوتم و بقای آنها وابسته به حضور، حمایت و خواست مردم است. البته این تعامل و ارتباط بین دولت و مردم باید با ساز و کار مناسب که خود همان ایجاد اعتماد و رضایت سیاسی است برقرار و حفظ گردد (پناهی و شایگان، ۱۳۸۶: ۷۴).

با وجود این در شرایطی، ناتوانی در درک شرایط خاص تاریخی و مشکلات و نابسامانی‌های موجود، همراهی همدلانه و همبستگی افراد جامعه را سست کرده و اعتقاد آنان بر «ما بودن» را ناپایدار می‌کند؛ بنابراین عواملی که در درک یا احساس ما بودن تضاد ایجاد می‌کند، ممکن است سطح همبستگی و وفاق اجتماعی را در جامعه کاهش دهند. این عوامل اغلب به تجزیه دامن می‌زنند.

نابرابری‌ها از جمله عواملی هستند که در جامعه تفاوت به وجود می‌آورد. از دیدگاه روان‌شناسی اجتماعی، نابرابری به پیدایش محرومیت اجتماعی و احساس بی‌عدالتی منجر می‌شود که سرانجام به نارضایتی و افزایش تضاد در جامعه می‌انجامد؛ بنابراین یگانه راه جلوگیری از کاهش همبستگی اجتماعی و افزایش نارضایتی در حوزه برابری اجتماعی و نهایتاً جلوگیری از ایجاد نارضایتی سیاسی، از بین بردن تنگناهایی است که در نتیجه گسترش نابرابری‌ها ایجاد می‌شود (رستگار خالد و همکاران، ۱۳۹۳: ۴۷۵).

اینکه اعضای جامعه چه برداشت و احساسی از عملکرد نظام سیاسی خود دارند از پرسش‌های اساسی نشان‌دهنده فرهنگ سیاسی یک جامعه است؛ که پاسخ بدان سازه‌ای قابل اندازه‌گیری از فرهنگ سیاسی یک ملت و اعتبار آن را برآورد می‌سازد که از آن با عنوان «رضایت‌مندی سیاسی» تعبیر می‌کنند. جوانان به عنوان بزرگترین قشر جمعیتی جامعه ایران، قسمتی از این برداشت و احساس را نسبت به نظام سیاسی به نمایش می‌گذارند و هرگونه تناقض و شکاف بین انتظارات آنها و واقعیت‌های موجود در اجتماع، شکل‌گیری و تشدید بحران‌های سیاسی را در پی دارد (ایمان و منفرد، ۱۳۸۵: ۱۰).

وجود برخی از آمارها در زمینه نارضایتی سیاسی، انتظارات افراد از برآورده شدن نیازهایشان از یکسو و نگرش آنها به امکانات موجود از سوی دیگر دو جنبه مهم مقوله مزبور است. پدیداری این حس در افراد محصول مقایسه نزولی است که طی آن فرد خود را با دیگران خودی و غیر خودی مقایسه و داشته‌های خود را در سطحی پائین‌تر از دیگران ارزیابی می‌کند و نوعی حس ناکامی و محرومیت در او شکل می‌گیرد. این احساس در عرصه‌های گوناگون اقتصادی، سیاسی و فرهنگی-اجتماعی پدید می‌آید و شدت و ضعف آن میان افراد مختلف متفاوت است اما در میان جوانان با توجه به شرایط خاص سنی بیشتر به چشم می‌خورد. اکنون این پرسش مطرح می‌شود که تا چه اندازه احساس محرومیت نسبی خطرآفرین‌هست و باعث دور شدن افراد از جریان کلی جامعه می‌شود؟ در صورت تأیید وجود احساس محرومیت نسبی در جامعه به چه میزان رضایتمندی سیاسی موجود در جامعه را تحت تأثیر قرار خواهد داد؟ و با توجه به جوان بودن جامعه ایران این مسئله چه تاثیری بر جوانان دارد؟

الف - پیشینه پژوهش

تقوی و همکاران (۱۳۹۹)، در تحقیق خود با عنوان «تبیین جامعه‌شناختی اثر محرومیت اقتصادی و اجتماعی (محرومیت نسبی) بر گرایش به خشونت سیاسی شهروندان تهرانی» به بررسی تأثیر نقش محرومیت نسبی بر گرایش به خشونت سیاسی شهروندان تهرانی با روش تبیینی - پیمایشی می‌پردازد. مهمترین یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که محرومیت اقتصادی به طور غیر مستقیم و از طریق تأثیر بر متغیر احساس محرومیت اجتماعی بر گرایش شهروندان تهرانی به خشونت سیاسی اثر گذار است در حالیکه احساس محرومیت اجتماعی در این زمینه مستقیم و بدون واسطه اثرگذار است. باقری دولت آبادی و شفیع سیف آبادی (۱۳۹۸)، در پژوهش خود با عنوان «عوامل موثر بر وقوع ناآرامی‌ها در کشور عراق (مطالعه موردی: ابعاد سیاسی، اقتصادی و اجتماعی اعتراضات سال ۲۰۱۹)» با روش توصیفی - تحلیلی به بررسی عوامل موثر بر وقوع ناآرامی‌ها در کشور عراق با تأکید بر نقش احساس محرومیت نسبی پرداخته‌اند. نتایج کلی حاکی از آن است که انتظارات ارزشی در بین جوانان این کشور با افزایش میزان درآمد نفتی و رشد اقتصادی عراق طی سالهای گذشته بالا رفته و منجر به تعارض با توقعات ارزشی آنها شده است و متعاقباً با مشاهده میزان فساد، بیکاری، فقر و... و مقایسه کشور خود با سایر کشورهای منطقه احساس محرومیت نسبی بالا رفته و کنش‌های سیاسی خشونت آمیز و اعتراض را رقم زده است. محمود اوغلی و اصغری نیاری (۱۳۹۷)، در پژوهش خود با عنوان «احساس محرومیت نسبی در میان قوم بلوچ و تأثیر آن بر خشونت سیاسی» به بررسی رابطه محرومیت نسبی و خشونت سیاسی در بین شهروندان زاهدانی می‌پردازند. نتایج تحقیق نشان‌دهنده‌ی آن است که خشونت‌های سیاسی در این منطقه به دلایل متنوع و مختلفی رخ می‌دهد و بین احساس محرومیت نسبی با رفتارهای خشونت آمیز در بین شهروندان مورد مطالعه رابطه معنادار و مثبتی وجود دارد. فقر و بیکاری، تفاوت‌های مذهبی، عدم وجود مشارکت‌های موثر، قاچاق، همانندی زیاد فرهنگی موجود مابین این منطقه با کشورهای بحران زده همسایه همچون افغانستان و پاکستان و دیگر مشکلات طبیعی و اجتماعی موجود از عوامل اصلی خشونت سیاسی در این جمعیت می‌باشد.

امام جمعه زاده و ابراهیمی (۱۳۹۵)، در پژوهش خود با عنوان «تحلیل جامعه‌شناسانه وقوع انقلاب اسلامی با تأکید بر نظریه محرومیت نسبی تد رابرت گر و اندیشه‌های امام خمینی (ره)»، نخست نارضایتی و ناکامی اقشار جامعه را بر مبنای نظریه محرومیت نسبی بررسی می‌کند و در ادامه

از دیدگاه جامعه‌شناسی سیاسی به ارائه‌ی تحلیلی از منشا و علل نارضایتی موجود در دوران پهلوی دوم می‌پردازد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که عواملی همچون نادیده گرفته شدن خواسته‌ها و حقوق اساسی مردم در زمینه‌های مختلف سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی در دوران پهلوی دوم منجر به بروز احساس محرومیت نسبی شده است؛ و این جریان بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ شدت یافته و محرومیت نسبی شکل نزولی به خود گرفته و همین عدم همخوانی به وجود آمده مابین انتظارات و امکانات موجود با توانایی‌های افراد جامعه منجر به عدم رضایت سیاسی و در نهایت وقوع انقلاب اسلامی شده است. احسانیان عربی (۱۳۹۲) در پژوهش خود با عنوان «عوامل مؤثر در اعتماد سیاسی در جمهوری اسلامی ایران» یکی از جنبه‌های اعتماد را اعتماد سیاسی ذکر کرده که در کلی‌ترین تعریف از سه بُعد تشکیل شده است: میزان باور یا اطمینان افراد به نظام سیاسی، میزان اعتقاد آنان به کارگزاران فعال در نظام و میزان باور آن‌ها به نهادهای سیاسی. پژوهش یاد شده، کارآمدی حکومت در سه بخش سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران را مورد بررسی قرار داده و عوامل مؤثر در این سه بخش را مایه‌ی افزایش یا کاهش اعتماد سیاسی به دولت‌ها می‌داند. یافته‌های تحقیق مورد اشاره نشان می‌دهد که در هر یک از عوامل سیاسی، اقتصادی و فرهنگی - اجتماعی سه مولفه‌ی تأثیرگذار بر «اعتماد سیاسی» وجود دارد که عبارتند از: سیستم یا نظام، کارگزاران و نخبگان و نوع مناسبات مردم، نظام و نخبگان.

علیخواه (۱۳۸۷) در پژوهش خود با عنوان «احساس محرومیت نسبی و پتانسیل اعتراض سیاسی» به دنبال پاسخگویی به این سؤال بوده است که آیا میزان احساس محرومیت نسبی با میزان ظرفیت اعتراض سیاسی رابطه‌ای دارد؟ نتایج حاکی از آن است که بیشتر افراد نمونه مورد بررسی به صورت بالقوه دارای ظرفیت اعتراض سیاسی بالایی هستند ولی درصد قابل توجهی از آنان (۸۳ درصد) معتقد به روش‌های مسالمت‌آمیز و بدون خطر اعتراض هستند. احساس محرومیت نسبی علاوه بر اینکه به طور مستقیم موجب افزایش ظرفیت اعتراض سیاسی می‌شود با تأثیر غیر مستقیم بر دو متغیر نیز بر ظرفیت اعتراض اثرگذار است. این دو متغیر از یک سو بر تصور افراد بر وجود فرصت‌های سیاسی در نظام برای اعتراض و از سوی دیگر بر رضایت کلی از زندگی اثرگذار است. حمایت سیاسی نیز هم به طور مستقیم و هم از طریق احساس اثربخشی سیاسی بر ظرفیت اعتراض سیاسی تأثیر می‌گذارد.

فاروق و همکاران (۲۰۱۷)، در پژوهشی با عنوان «بهار عربی و تئوری محرومیت نسبی» با استفاده

از روش توصیفی و اسنادی، به عوامل، ایدئولوژی‌ها و مطالبات جامعه مدنی که منجر به وقوع خیزش‌های عربی در کشورهای تونس، لبنان، یمن، مصر و سوریه شده است، پرداخته‌اند. در این پژوهش به نقش جوانان تحصیلکرده و شبکه‌های اجتماعی در این خیزش‌ها اشاره شده است و از نظریه محرومیت نسبی تد رابرت‌گر استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد که اگرچه عوامل مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و ... که منجر به وقوع خیزش‌های عربی شده‌اند به لحاظ ماهیت یکسان و مشابه‌اند، لیکن در کشورهای مختلف با توجه به شرایط خاص سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و ... از کشوری به کشور دیگر متفاوت است. گراسو و همکاران (۲۰۱۷) در پژوهشی با عنوان «محرومیت نسبی و نابرابری در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی» به دنبال پاسخگویی به این پرسش بوده‌اند که آیا محرومیت نسبی تأثیر متفاوتی در انواع فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی دارد؟ نتایج حاصل از پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد که شرایط اقتصادی منفی تمایل به مشارکت غیرمعارف را ترویج می‌دهد. علاوه بر این، اثرات احساس محرومیت برای فعالیت فعالانه اعتراض‌آمیز در شرایط اقتصادی منفی تقویت شده است. از سوی دیگر، در شرایط اقتصادی منفی، فاصله بین افراد در گروه‌های فقیر منابع و کسانی که در گروه‌های غنی‌تر با فعالیت‌های متداول فعالیت می‌کنند، نزدیک و یا معکوس می‌شوند. احساسات فردی ناشی از محرومیت نسبی موجب اعمال تظاهرات می‌شود، این تأثیر در شرایط اقتصادی منفی گسترده، تشدید می‌شود. ژای (۲۰۱۶) در پژوهشی با عنوان «رشد اقتصادی قابل توجه، اما تا چه حد؟ تأثیر مدرنیزاسیون بر رضایت سیاسی شهروندان چینی» بیان کرده است که توسعه اقتصادی سریع چین ممکن است اثرات سیاسی چشمگیری داشته باشد. میزان رضایت سیاسی شهروندان چینی از وضعیت کنونی آزادی‌های مدنی و حقوق سیاسی بر توسعه سیاسی آینده چین تأثیر می‌گذارد. یافته‌های تجربی این پژوهش نشان می‌دهد که بیشتر شهروندان چینی پس از بهبود رفاه خود، رضایت بیشتری از آزادی‌های مدنی و حقوق سیاسی خود نشان می‌دهند. رضایت از زندگی در حوزه اقتصادی تأثیر مثبتی بر رضایت از حقوق مدنی و سیاسی دارد. رضایت از آزادی‌های مدنی و حقوق سیاسی با رضایت از سطح دموکراسی در چین ارتباط مثبتی دارد. رضایت از زندگی در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و فردی تأثیر مثبتی بر حوزه سیاسی دارد و موجب افزایش رضایت از حقوق شهروندی و سیاسی محدود و همچنین سطح نسبتاً پایین دموکراسی لیبرال می‌شود.

در پژوهش‌های مطرح شده هر کدام ابعادی از موضوع مورد نظر را پوشش می‌دهند، لیکن هیچ

کدام به طور مستقیم بحث تاثیر و نقش احساس محرومیت نسبی بر رضایتمندی سیاسی جوانان را بررسی نکرده اند، لذا در این حوزه خلاء پژوهشی احساس می گردد. از طرف دیگر ساختار متمایز رضایت سیاسی در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه و ارائه بهترین تبیین های متفاوت از رضایت سیاسی در میان این کشورها در مقابله با ارائه ساختارهای مفهومی و تبیین یکسان و همه جایی از پدیده های سیاسی و اجتماعی معقول تر می نماید، از این رو می توان در پی ارائه ساختار مفهومی و تبیینی متمایزی برای کشور یا مختصات فرهنگی و اجتماعی ایران بود.

ب- مبانی و چارچوب نظری تحقیق

۱- مفاهیم نظری

۱-۱- رضایت سیاسی

مفهوم رضایت سیاسی در ادبیات علوم اجتماعی در تعابیر متفاوت به کار رفته است و اندیشمندان علوم سیاسی و اجتماعی از مفاهیم مشابه (یا نزدیکی) همچون اعتماد سیاسی، حمایت سیاسی و مشروعیت سیاسی در بیان مقصود خود استفاده کرده اند. به عنوان مثال، اینگلهارت از مفهوم اعتماد سیاسی استفاده می کند و رضایت از زندگی و اعتماد متقابل را عامل مهمی در رضایت سیاسی مردم می داند (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۴۹). از نظر لوسین پای، بحران توزیع زمانی سامان می گیرد که مردم از کارآمدی نظام سیاسی در توزیع عادلانه ای ارزش ها و امکانات جامعه رضایت حاصل کرده و به کارایی هیأت حاکمه اعتماد کنند (پای، ۱۳۷۰: ۶۰). ماکس وبر نیز رضایت سیاسی را مقدمه مشروعیت می داند و عقیده دارد هرچه میزان باور به اعتبار یک نظام سیاسی بیشتر باشد، مشروعیت آن نیز بیشتر است. وی به نقش حکومت شونندگان در اعتبار و مشروعیت بخشیدن به حکومت اذعان دارد. وبر واژه مشروعیت یک نظام سیاسی را این گونه تعریف می کند: «درجه اعتبار آن نظام در باور افرادی که در چارچوب نظام مزبور به کنش اجتماعی می پردازند». بر این اساس، هرچه میزان باور به اعتبار یک نظام سیاسی بیشتر باشد، میزان مشروعیت نظام، اطاعت آزادانه افراد و هم‌زبانی و هم‌هنجاری نظام سیاسی با حکومت شونندگان بیشتر خواهد بود (وبر، ۱۳۸۴: ۴۳). بدین ترتیب از دیدگاه وبر، مشروعیت هنگامی حاصل می شود که سلطه سیاسی در باور و ذهنیت حکومت شونندگان دارای اعتبار باشد و شکل

موجود سلطه سیاسی با ارزش‌ها و باورهای موجود در جامعه همسویی داشته باشد. در این صورت گروه وسیعی از افراد جامعه سلطه سیاسی موجود را می‌پذیرند و از آن اطاعت می‌کنند و حاکمان نیز از حمایت طیف وسیعی از جامعه برخوردار می‌شوند (نقیب زاده، ۱۳۸۴: ۱۵۴).

می‌توان گفت رضایت سیاسی عبارت است از نگرش مثبت اعضای یک جامعه اعم از فرد یا گروه نسبت به مجموعه‌ی نظام سیاسی حاکم بر یک جامعه که به صورت یک احساس خوشایند بازتاب می‌یابد. در همین راستا، رضایت از عملکرد نهادها و سازمان‌های اداری به عنوان نقاط تماس مردم با حکومت، تأثیر مستقیمی بر رضایت مردم از دولت و نظام سیاسی دارد. در مجموع می‌توان گفت: رضایت سیاسی عبارت است از نگرش مثبت حکومت‌شوندگان نسبت به حاکمان، نهادهای سیاسی و قواعدی که نظام سیاسی بر آن استوار است. این امر هنگامی حاصل می‌شود که شکل موجود نظام سیاسی و عملکرد آن با ارزش‌ها و باورهای عمومی جامعه همسویی داشته باشد.

۱-۲- احساس محرومیت نسبی

اکثریت قریب به اتفاق نظریه پردازان در سیر تطوری مفهوم محرومیت نسبی در این مورد توافق دارند که خواستن و مقایسه کردن از عوامل به وجود آورنده ی محرومیت نسبی است، اما نکته ای که مباحث تد رابرت گر را نسبت به سایر دیدگاهها برجسته می سازد پرداختن به ابعاد و اشکال محرومیت نسبی است. تد رابرت گر محرومیت نسبی را محصول تفاضل بین انتظارات ارزشی و توانایی های ارزشی می داند. منظور از انتظارات ارزشی، کالاها و شرایطی است که مردم خود را مستحق آن می دانند. منظور از توانایی های ارزشی نگرش افراد نسبت به فرصت ها و امکانات برآوردن نیازهاست (گر ۱۳۸۸: ۵۳ و ۵۴). گر همچنین انتظارات ارزشی را مربوط به وضعیت فعلی و آینده می داند به عبارت دیگر افراد تلاش می کنند داشته های فعلی خود را حفظ کنند و انتظار دارند در آینده به توقعات و انتظارات شان دست پیدا کنند و معمولاً این انتظارات با انتظارات حال شان برابر و یا بیشتر است. توانایی های ارزشی نیز مضامینی مربوط به حال و آینده دارند. برای نمونه چیزهایی که انسان ها در واقعیت توانایی کسب آن را داشته اند و یا محیط برای آنها فراهم آورده است؛ موقعیت ارزشی مربوط به توانایی های ارزشی حال است. آن چیزهایی که افراد با توجه به توانایی ها و مهارت های خود وبا کمک دوستان و اطرافیان و حکمرانان و زمامداران در طی زمان در آینده امکان کسب و حفظ آنها را خواهند داشت، مربوط به توانایی های ارزشی آینده می شوند که گر

آن را پتانسیل ارزشی می‌نامد (گر، ۱۳۸۸: ۵۸).

۲- چارچوب نظری

تحقیقات مربوط به منشأ و تکامل نارضایتی سیاسی به طور کامل با بحث نظری در مورد شخصیت نگرش‌های سیاسی که فرهنگی یا عقلانی هست، مرتبط است. دوالگو برای شکل‌گیری نگرش‌های سیاسی وجود دارد: دیدگاه «فرهنگ‌گرایان سنتی»^۱ و «فرهنگ‌گرایان عقلانی»^۲.

۲-۱- دیدگاه فرهنگ‌گرایان سنتی: سرمایه اجتماعی

دیدگاه فرهنگ‌گرایان سنتی که توسط لرنر^۳ (۱۹۵۸) و به میزان کمتر آلموند و وربا^۴ (۱۹۶۳) مطرح شده است، ادعا می‌کند که نگرش‌ها به آرامی تغییر می‌کنند، زیرا آن‌ها ویژگی‌های فرهنگی هستند که به فرآیندهای طولانی مدت اجتماعی شدن بستگی دارد که در طول زمان بازتولید می‌شوند. از سوی دیگر، فرهنگ‌گرایان منطقی معتقدند که فرهنگ می‌تواند به سرعت در اثر رویدادهای سیاسی یا اقتصادی، در اثر تجربه یا کشمکش‌ها و به عنوان نتیجه ارزیابی عملکرد سازمانی در محیط‌های سازمانی متمایز در کنار انطباق عقلانی و حتی یادگیری بزرگ‌سالی تغییر کند (Lane, 1992; Whitefield & Evans, 1999; Mishler & Rose, 2001).

۲-۲- دیدگاه فرهنگ‌گرایان عقلایی: نهادها و سیاست

در این مدل، نارضایتی سیاسی به عنوان امر «درون‌زاد سیاسی» یا «عقلانی» در نظر گرفته می‌شود. این امر از عواملی مانند تنظیمات نهادی متمایز، عملکرد نهادی، فساد سیاسی، رسوایی‌های سیاسی خاص، شرایط اقتصاد کلان و یا انتظارات ناامیدکننده ناشی می‌شود. در این مفهوم، اعتماد اجتماعی تقریباً هیچ تأثیری در توضیح سطوح مختلف اعتماد سیاسی ندارد. در عوض، این سطوح متمایز مربوط به عوامل خاص نهادی و سیاسی است که بر اعتماد اجتماعی - سیاسی اثرگذار است. نارضایتی سیاسی ممکن است از عملکردهای سیاسی به عنوان مثال، توسط ترجیحات حزبی یا حمایت از

.....
1 . Traditional-Culturalist
2 . Rational-Culturalist
3 . Lerner
4 . Almond & Verba

مقامات حکومتی سرایت کند (Holmberg, 1999) یا بوسیله «اثرات برنده و بازنده» انتخابات (Anderson & Lo Tempio, 2002) انتظارات برآورده نشده‌ی مربوط به ناتوانی دولت برای حل مشکلات کنونی (Hardin, 2000; Pharr, 2000) به همراه کاهش عملکرد کلان اقتصادی و ناپدید شدن سیاست‌های رفاه اجتماعی (Alesina & Wacziarg, 2000) نیز می‌تواند منبع قابل قبولی برای نارضایتی سیاسی باشد. وجود رسوایی‌های سیاسی خاص نیز ممکن است منجر به زوال اعتماد سیاسی شود (Lipset and Schneider, 1983; Nye, 1997)

سوال مهمی که اینجا مطرح می‌شود این است که چگونه می‌توان حمایت سیاسی یا فقدان آن را تحلیل کرد؟ برای این مسئله، باید موضوعات مختلف و سطوح نارضایتی را در تجزیه و تحلیل متمایز کرد و به صراحت در مورد ارزش حمایت در سطوح مختلف سیاسی توضیح داد. بسیاری از محققان به تئوری دیوید ایستون اشاره می‌کنند که در سطوح حمایت متمایز می‌شود و حمایت انتزاعی از جامعه سیاسی، حمایت از رژیم سیاسی و حمایت عینی از دولت را متمایز می‌کند (Easton, 1965). ایستون حمایت از جامعه سیاسی را به عنوان قصد متقابل در میان اعضای نظام برای عمل و همکاری با یکدیگر و حل مسالمت‌آمیز اختلافات منافع و عقاید تعریف می‌کند. او حمایت از رژیم سیاسی را به عنوان حمایت از قانون اساسی بازی در نظام سیاسی تعریف می‌کند، به این معنی که اصول و ترتیبات قانون اساسی که اختلافات اجتماعی را حل و فصل می‌کند، تعریف شده است. حمایت از دولت همان چیزی است که ایستون سومین و مهم‌ترین سطح حمایت می‌نامد، زیرا اقدامات و تصمیمات مشخصی را در زمینه حل اختلافات اجتماعی انجام می‌دهد (Norris, 1999:201) در چارچوب مفهومی این تحقیق، مفهوم حمایت سیاسی دیوید ایستون، مبنای تحلیل سطوح حمایت و رضایت سیاسی قرار می‌گیرد.

۲-۳- دیدگاه محرومیت نسبی تد رابرت گر

محرومیت نسبی از مفاهیمی است که با رویکرد روانی-اجتماعی در کتاب «چرا انسان‌ها شورش می‌کنند؟» اثر تد رابرت گر در عرصه علوم سیاسی بیان شده است (Pettigrew, 2015: 13) این مفهوم بیان‌کننده شرایطی است که فرد تفاوت بین انتظارات ارزشی (خواسته‌هایی که افراد دستیابی و نگهداری آنها را حق خود می‌دانند) و توانایی‌های ارزشی (شرایط و وسایلی که تصور می‌کنند قابلیت دستیابی و حفظ آن را دارند) را درک می‌کند. در این ارتباط زمانی که فرد بر اساس

استانداردهای عینی و مشهود در جامعه در راه رسیدن و کسب یک ارزش و یا تداوم آن با مانع روبرو شود احساس ناکامی به وجود می آید. (مشیرزاده، ۱۳۸۱: ۱۲۳).

موضوع سطح تحلیل در مطالعات مربوط به نظریه محرومیت نسبی از اهمیت خاصی برخوردار است. بر مبنای نتایج تحقیقات پژوهشگران احساس محرومیت نسبی در سطح فردی باعث ایجاد اضطراب، آشفتگی، بیگانگی و انزوای فرد در اجتماع می شود لیکن در سطح گروهی و فرافردی باعث کاهش مشارکت بهنجار و گسترش خشونت سیاسی در قالب کشمکش داخلی، آشوب و... می شود. در این خصوص تد رابرت گر در نظریه خود گزاره هایی در خصوص ارتباط میان محرومیت نسبی و خشونت سیاسی هم در سطح فردی و هم در سطح جمعی گنجانده است (Tripathi and shivastava, 1981, 313-318).

در این زمینه نظریه مذکور دو مولفه ویژه دارد: مولفه شناختی (ادراکی) و مولفه عاطفی (احساسی). درک اینکه یک انتظار یا توقع برآورده نشده و نقض شده است، مولفه شناختی یا ادراکی از محرومیت را تشکیل می دهد و حس بی انصافی، رنجش و عدم رضایت ناشی از نقص این انتظار به جنبه عاطفی احساس محرومیت نسبی شکل می بخشد (tiraboschi and mass, 1998: 404) و به عرصه ای برای درک نابرابری تعیین می یابد. بررسی ادبیات مربوط به محرومیت نسبی نشان می دهد که خشونت اجتماعی و رفتار اعتراضی ناشی از احساسات درک شده از بی عدالتی و توزیع نابرابر منابع است (saha, 2011:36). هر چه نابرابری بین گروههای اجتماعی - اقتصادی جامعه افزایش یابد باعث می شود تا گروههای به حاشیه رانده شده بیش از پیش ناراضی شده خروج کرده و در نتیجه کشمکش داخلی و خشونت جمعی ایجاد شود (fahey, 2010:6).

افزون بر وجود عامل نابرابری، بحث مقایسه افرادی که به لحاظ اقتصادی از بقیه در طبقات پائین تر هستند منجر به بروز احساس محرومیت نسبی خواهد شد (Richardson, 2011: 5). در اینجا اینکه افراد خود را با چه کسانی مقایسه می کنند اهمیت دارد و لزوماً احساس محرومیت نسبی معنای نابرابری نمی دهد (shams and gholami, 2013: 1517).

گر در کتاب «چرا انسانها شورش می کنند؟» از منظر روانشناسی اجتماعی قصد تجزیه و تحلیل شرایط بحرانی که نظامهای سیاسی با اشکال مختلف خشونت جمعی مواجه می شوند را دارد. الگوی کلی تبیینی وی بدین شکل است:

محرومیت نسبی ← نارضایتی ← خشونت جمعی

نارضایتی حاصل از محرومیت، محرکی کلی برای اقدام است. هم نظریه روان‌شناسانه و هم نظریه تعارض‌آمیز گروهی بر آن‌اند که هر چه شدت نارضایتی بیشتر باشد احتمال خشونت نیز بیشتر است. توالی علی بروز عمده در خشونت سیاسی ابتدا با بروز نارضایتی آغاز می‌شود در مرحله دوم این نارضایتی، سیاسی می‌شود و نهایتاً به تحقق عمل خشونت‌آمیز علیه موضوعات یا بازیگران سیاسی می‌انجامد. نارضایتی حاصل از ادراک محرومیت نسبی، شرط اساسی انگیزاننده مشارکت‌کنندگان در خشونت جمعی است دو مفهوم مرتبط یعنی نارضایتی و محرومیت، اکثر وضعیت‌های روانی مانند ناکامی، ازخودبیگانگی، تعارضات میان وسیله و هدف، نیازهای ضروری و فشارها را که به طور صریح یا ضمنی در برداشت‌های نظری به عنوان علل خشونت شناخته شده‌اند در بر می‌گیرند (گر، ۱۳۸۸: ۲۹).

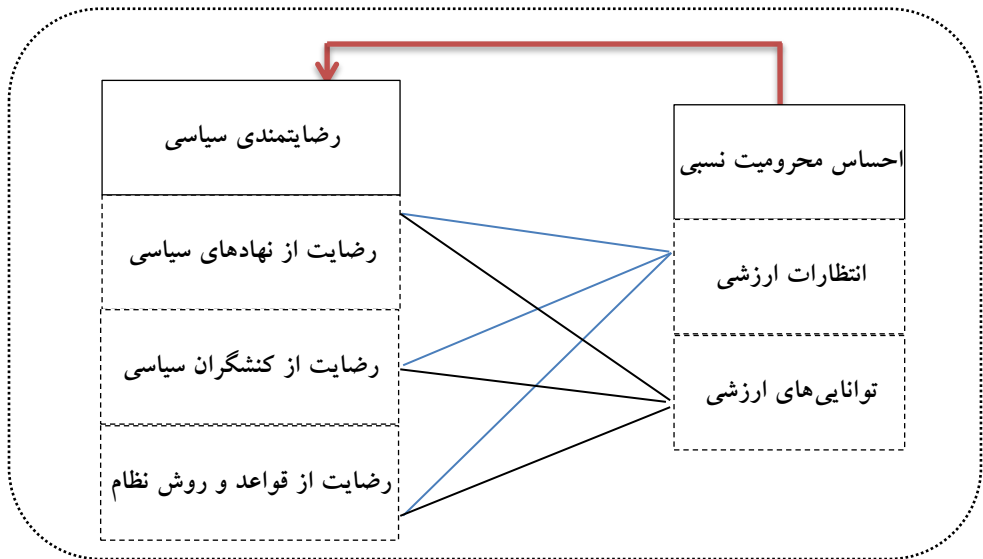
گر یک گونه‌شناسی ترکیبی از نیازها یا ارزش‌ها ارائه دهد که مردم با توجه به آن‌ها به قضاوت درباره رضایت یا محرومیت نسبی خود می‌پردازد. ارزش‌ها؛ حوادث، اهداف یا شرایط مطلوبی هستند که انسان‌ها در راه دسترسی به آن‌ها تلاش می‌کنند. ارزش‌هایی که مناسب یک خشونت سیاسی هستند مقولاتی کلی از شرایطی هستند که بسیاری از انسان‌ها برای آن‌ها ارزش قائل‌اند و نه آن ارزش‌هایی که به طور خاص مطلوب افراد خاصی است (گر، ۱۳۸۸: ۴۸). طبقه‌بندی سه وجهی گر از ارزش‌ها عبارت‌اند از: ارزش‌های اقتصادی یا رفاهی، ارزش‌های سیاسی یا معطوف به قدرت، ارزش‌های اجتماعی یا روابط بین‌الاشخاصی.

ارزش‌های رفاهی یا همان ارزش‌های اقتصادی، مستقیماً با رفاه مادی و تحقق نفس در ارتباط‌اند که شامل اموری مانند خوراک، پوشاک، مسکن، خدمات بهداشتی و امور مربوط به تامین آسایش می‌شود. ارزش‌های مربوط به قدرت (این ارزش‌ها به صورت مستقیم و خاص در امر رضایت سیاسی دخیل هستند) شامل تمایل به مشارکت در تصمیم‌گیری جمعی (مانند شرکت در انتخابات، عضویت در گروه‌های سیاسی) و تمایل به تعیین حق سرنوشت و امنیت جامعه (مانند آزادی از مناسبات سیاسی نادرست، رفاهی از بی‌نظمی و...) است که همه مرتبط با اثرگذاری در عملکرد دیگران است. ارزش‌های اجتماعی به احساس رضایت ما در تعامل با افراد و گروه‌های مختلف جامعه مربوط است

که شامل میل به کسب منزلت، نیاز به مشارکت در گروه‌های مختلف (غیرسیاسی) جامعه و احساس اعتماد و اطمینان به دیگران و در نتیجه اعتقاد به باورها و هنجارهای مشترک می‌شود (گر، ۱۳۸۸: ۴۸-۵۰).

۲-۴- الگوهای محرومیت نسبی

مطابق نظر گر عنصر مشترک در تمامی شورش‌ها، احساس ناکامی است. محرومیت نسبی از سه الگو پیروی می‌کند: ۱. محرومیت نسبی نزولی: حالتی که در آن خواسته‌های افراد ثابت ولی داشته‌هایشان روند نزولی دارد. ۲. محرومیت نسبی آرزویی: حالتی که در آن داشته‌های افراد ثابت ولی خواسته‌ها و انتظارات افزایش می‌یابد و ۳. محرومیت نسبی صعودی: حالتی که در آن داشته‌های مردم به شدت کاهش و انتظارات و خواسته‌های مردم نیز همزمان با شدت زیاد افزایش می‌یابد. با وجود اینکه محرومیت نزولی بیشترین شیوع را نسبت به سایر انواع محرومیت در جوامع سنتی و در حال گذار دارد، ولی خشونت کمتری را در پی دارد؛ اما این محرومیت بسیار شدید صعودی است که در صورت رواج در جامعه احتمال وقوع شورش در بخش‌های بزرگی از جامعه را در پی خواهد داشت (قره داغی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۳۲).



شکل شماره ۱: مدل مفهومی تحقیق

منبع: محقق ساخته برگرفته از مبانی نظری تحقیق

هیچ‌کدام از مدل‌های سه‌گانه محرومیت نسبی الزاماً به نوع خاصی از جوامع اختصاص ندارند. هرچند که محرومیت نسبی مطلق را بیشتر در جوامع ایستا می‌توان یافت و محرومیت نسبی ناشی از بلندپروازی و صعودی در بیشتر موارد به جوامعی تعلق دارند که با دگرگونی اجتماعی - اقتصادی چشمگیری روبه‌رو هستند؛ اما در هر جامعه و در هر دوره خاصی از زمان، احتمال دارد برخی از گروه‌ها انواع محرومیت نسبی را تجربه کنند. افزون بر این، برخی از گروه‌ها ممکن است با توجه به طبقات مختلفی از ارزش‌ها، الگوهای متفاوتی از محرومیت نسبی را تجربه کنند.

۳- فرضیات پژوهش

فرضیه اصلی: با افزایش احساس محرومیت نسبی میزان رضایت‌مندی سیاسی کاهش می‌یابد.
فرضیات فرعی:

- بین میزان احساس محرومیت نسبی در بعد انتظارات ارزشی و رضایت‌مندی سیاسی در بعد رضایت از نهادهای سیاسی رابطه وجود دارد.
- بین میزان احساس محرومیت نسبی در بعد انتظارات ارزشی و رضایت‌مندی سیاسی در بعد رضایت از کنشگران سیاسی رابطه وجود دارد.
- بین میزان احساس محرومیت نسبی در بعد انتظارات ارزشی و رضایت‌مندی سیاسی در بعد رضایت از قواعد و روش نظام رابطه وجود دارد.
- بین میزان احساس محرومیت نسبی در بعد توانایی‌های ارزشی و رضایت‌مندی سیاسی در بعد رضایت از نهادهای سیاسی رابطه وجود دارد.
- بین میزان احساس محرومیت نسبی در بعد توانایی‌های ارزشی و رضایت‌مندی سیاسی در بعد رضایت از کنشگران سیاسی رابطه وجود دارد.
- بین میزان احساس محرومیت نسبی در بعد توانایی‌های ارزشی و رضایت‌مندی سیاسی در بعد رضایت از قواعد و روش نظام رابطه وجود دارد.

۴- تعاریف عملیاتی متغیرها

۴-۱- رضایت سیاسی (متغیر وابسته)

برای عملیاتی‌سازی رضایت سیاسی، به کمک تئوری دیوید ایستون، رضایت سیاسی در سه سطح

رضایت از کنشگران سیاسی، رضایت از نهادهای سیاسی و رضایتمندی از روش کار و قواعد نظام بررسی می‌شود. هر یک از سطوح برشمرده شده با استفاده از طیف لیکرت مورد سنجش قرار می‌گیرند. کنشگران سیاسی افرادی هستند که یا به صورت مستقیم توسط مردم؛ و یا غیر مستقیم و از طریق انتصاب مسئولان منتخب مردم انتخاب می‌شوند (7: bretzer,2002). در واقع، کنشگران سیاسی مسئولان طراز اول کشور هستند که تصمیم‌گیری‌های مهم سیاسی کشور را انجام می‌دهند. این مفهوم با شاخص پنج گویه‌ای از ویژگی‌های شخصیتی همچون هوش، دانش، توان مدیریتی و تعهد سنجیده شد. رضایت از نهادهای سیاسی با پرسش از میزان رضایت پاسخ‌گویان از ۵ نهاد دولتی صورت گرفت. این نهادها شامل دولت (قوه مجریه)، قوه قضاییه، مجلس، نیروی انتظامی و شهرداری‌ها بوده است. برای سنجش رضایت از روش کار و قواعد نظام سیاسی از پنج مقیاس مشروعیت سیاسی، رضایت از عملکرد اجتماعی، رضایت از عملکرد اقتصادی، رضایت از عملکرد فرهنگی و رضایت از عملکرد سیاست خارجی استفاده شد.

۴-۲- احساس محرومیت نسبی (متغیر مستقل)

محرومیت نسبی به تصور و برداشت بازیگران از وجود اختلاف بین انتظارات ارزشی و توانایی‌های ارزشی تعریف می‌شود در واقع هر دو مفهوم انتظارات ارزشی و توانایی‌های ارزشی در سطح ذهنی انسان‌ها قرار دارند. با این تفاوت که در انتظارات ارزشی، صرفاً ذهنیت افراد و در توانایی‌های ارزشی، نوع برداشت ذهنی افراد از عینیت و شرایط بیرونی اهمیت دارد. از سوی دیگر سه نوع ارزش می‌تواند ایجاد کننده احساس محرومیت نسبی شود؛ ارزش‌های بین‌الاشخاصی، ارزش‌های مربوط به قدرت و ارزش‌های رفاهی (ساسانیان، ۱۳۹۷: ۱۱۹). از آنجا که در پژوهش حاضر ارزش‌های سیاسی یا مربوط به قدرت مورد سنجش قرار می‌گیرد به تعریف نظری و عملیاتی آن پرداخته می‌شود.

ارزش‌های مربوط به قدرت ارزش‌هایی هستند که میزان توان انسان‌ها در نفوذ بر کنش‌های دیگران و اجتناب از دخالت ناخواسته دیگران در کنش‌های خود را تعیین می‌کنند این طبقه از ارزش‌ها شامل تمایل به مشارکت در تصمیم‌گیری جمعی - مانند رأی دادن و شرکت در رقابت سیاسی، عضویت در گروه نخبگان سیاسی - و تمایل به تعیین حق سرنوشت و امنیت جامعه است. گر از این مورد با عنوان ارزش‌های مشارکتی نام می‌برد و برای آن مثال می‌آورد مانند رأی دادن،

شرکت در رقابت سیاسی، عضویت در گروه نخبگان سیاسی. مورد دوم را نیز ارزش‌های امنیتی عنوان می‌کند مانند آزادی از ترتیبات سیاسی ستمگرانه یا بی‌نظمی (گر، ۱۳۸۸: ۵۰-۴۸). گر توانایی‌های مربوط به قدرت را با این مثال تعریف می‌کند که اگر افراد جامعه این برداشت ذهنی را داشته باشند که چرخش نخبگان در سطوح بالا و فرصت‌های مشارکت سیاسی وسیع است، توانایی‌های ارزشی مربوط به قدرت شهروندان نیز احتمالاً بالا خواهد رفت. همین استدلال گر را می‌توان در مورد اعتراض به حاکمان و یا ارزش‌های امنیتی نیز مورد استفاده قرار داد. اگر شهروندان تصور کنند که به راحتی می‌توانند از شخصیت‌های سیاسی انتقاد کنند یا اینکه میزان دخالت مسئولان در امور اجتماعی و شخصی افراد پایین است، توانایی ارزشی مربوط به قدرت آن‌ها نیز بالا خواهد بود.

۵- روش پژوهش

پژوهش حاضر با توجه به اهداف مورد نظر، از نوع کاربردی و از حیث ماهیت، توصیفی-تحلیلی و از لحاظ آزمون فرضیات، پیمایشی است. واحد مشاهده و تحلیل فرد است و جمعیت آماری، شهروندان ۱۸ سال به بالای ساکن شهر اصفهان بوده اند. از آن جا که مطالعه حاضر با روش کمی و مبتنی بر آزمون فرضیه قرار دارد، لذا برآورد نمونه‌گیری با استفاده از نرم‌افزار اس پی اس^۱ در مسیر تحلیل توان^۲ انجام گرفت. با توجه به پیش‌فرض‌های مربوط به نمونه‌گیری احتمالی (سطح اطمینان، توان آزمون، حجم اثر و تعداد متغیرهای درگیر در تحلیل) و با استفاده از نرم‌افزار، حجم نمونه آماری از بین شهروندان اصفهان تعداد ۳۴۰ نفر مشخص گردید. برای بالا بردن پایایی ابزار تحقیق و قابلیت تعمیم بیشتر نتایج جامعه ۵٪ به نمونه آماری اضافه گردید و نمونه ۳۹۵ نفر در نظر گرفته شد. ابزار عمده مورد استفاده در این پژوهش پرسشنامه می‌باشد. این پرسشنامه محقق ساخته و بر اساس مطالعات نظری در نظریه‌ها و متون مربوط به رضایت سیاسی بر اساس پژوهش‌های قبلی تنظیم شده است. برای نیل به این منظور ابتدا بر اساس نظریه‌های و تحقیقات پیشین شاخص‌های سنجش متغیرهای پژوهش انتخاب و سپس برای هر یک از شاخص‌ها ابعادی تعریف شد و برای هر یک از این ابعاد نیز گویه‌هایی طرح شده است و سپس پرسشنامه اولیه پس از تأیید روایی به وسیله صاحب‌نظران و همچنین انجام مطالعه پایلوت و محاسبه آلفای کرونباخ مربوط به گویه‌ها برای به

.....
1 . SPSS Sample Power

2 . Power

دست آوردن پایایی پرسشنامه اصلاح شد در پایان نسخه نهایی آن تهیه و توزیع شد. روش نمونه گیری در پژوهش حاضر خوشه‌ای تصادفی بوده است. نتایج توصیفی نشان داده اند از نمونه پژوهش ۱۸۰ نفر را مردان و ۲۱۵ نفر را زنان تشکیل داده است. ۲۰۳ نفر از پاسخگویان مجرد و ۱۹۲ نفر متأهل بوده اند. در زمینه تحصیلات نیز حدود ۴۶/۳ درصد پاسخگویان در مقطع تحصیلی کارشناسی بوده اند و میانگین سنی پاسخگویان ۲۴/۵ سال بوده است. به لحاظ وضعیت شغلی تعداد ۲۲۴ نفر یا به تعبیری ۵۶/۷ درصد شاغل در دستگاههای دولتی بوده اند و بنابراین نما در این متغیر وضعیت شغلی دولتی است. دررتبه بندی درآمدی سطح درآمد زیر ۳ میلیون تومان در ماه بیشترین فراوانی (۴۴ درصد) و درآمد بیش از ۱۰ میلیون تومان در ماه کمترین فراوانی (۲/۵ درصد) را در میان پاسخگویان به خود اختصاص داده است.

جدول شماره ۱: میزان آلفای کرونباخ (پایایی)

ردیف	نام متغیر	ابعاد و شاخص‌ها	تعداد گویه	سطح سنجش	آلفا
۱	رضایت سیاسی	رضایت از کنشگران سیاسی	۵	فاصله‌ای	۰/۸۰۹
		رضایت از نهادهای سیاسی	۵	فاصله‌ای	۰/۶۰۷
		رضایت از روش کار و قواعد نظام	۱۵	فاصله‌ای	۰/۸۹۳
		کل رضایت سیاسی	۲۵	فاصله‌ای	۰/۹۱۲
۲	محرومیت نسبی	انتظارات ارزشی	۹	فاصله‌ای	۰/۹۹۸
		توانایی های ارزشی	۸	فاصله‌ای	۰/۷۹۸
		کل محرومیت نسبی	۱۷	فاصله‌ای	۰/۷۲۸

منبع: محقق ساخته

اعتبار و پایایی: در این پژوهش برای ارزیابی پایایی از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است. جدول شماره ۱ میزان آلفای کرونباخ را برای برآورد پایایی ابزار پژوهش نشان می دهد. مقدار آلفای کرونباخ برای متغیر رضایت سیاسی برابر ۰/۹۱۲؛ و برای متغیر محرومیت نسبی برابر ۰/۷۲۸ می باشد. بنابراین نتایج نشان می دهد که شاهد نوعی هماهنگی درونی بین گویه ها هستیم. برای سنجش روایی سوالات در این پژوهش روایی محتوا مد نظر قرار گرفت. اعتبار محتوای این پرسشنامه با

رجوع به تحقیقات همراستای پیشین و نیز توسط استادان راهنما و مشاور و افراد مطلع و متخصص در این حوزه مورد تأیید قرار گرفته است و از اعتبار لازم برخوردار است.

۷- آزمون کولموگروف - اسمیرنف

با استفاده از آزمون کولموگروف- اسمیرنف می توان توزیع (نرمال، یکنواخت و نمایی) داده‌های یک متغیر کمی را مورد بررسی قرارداد. در پژوهش حاضر از این آزمون جهت بررسی نرمال بودن سؤالات پرسشنامه استفاده شده است تا در صورت برقرار بودن این شرط بتوان از آزمون‌های آماری پارامتریک و هم چنین از روش حداکثر درست نمایی در معادلات ساختاری استفاده نمود. نتایج این آزمون در جدول ۲ آمده است.

جدول شماره ۲: نتایج آزمون کولموگروف- اسمیرنف

متغیرها	آماره کولموگروف- اسمیرنف	سطح معناداری
رضایت سیاسی	۰/۰۳۴	۰/۲۰۰
محرومیت نسبی	۰/۶۶۸	۰/۷۷۷

منبع: محقق ساخته

با توجه به اینکه سطح معناداری آزمون بالاتر از ۰/۰۵ می باشد، ادعای نرمال بودن سؤالات پرسشنامه پذیرفته شده است و می توان از آزمون‌های پارامتریک و از روش ML در مدل سازی معادلات ساختاری استفاده کرد.

پ- نتایج پژوهش

در این قسمت اطلاعات توصیفی متغیرهای پژوهش ارائه می شود. شاخص رضایتمندی سیاسی از ترکیب سه سطح کارگزاران سیاسی، نهادهای سیاسی و روش کار و قواعد نظام تشکیل شده است. جدول شماره ۳ توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب گویه‌های مختلف رضایت سیاسی را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۳: توزیع فراوانی گویه های متغیر رضایت سیاسی

ابعاد	گویه ها	آماره	کاملاً موافق	موافق	بی نظر	مخالف	کاملاً مخالف
رضایت از کنشگران سیاسی	(۱) مسئولین کشور از هوش و ظرفیت کافی برای اداره کشور برخوردارند.	فراوانی	۱۰۰	۸۳	۱۶۵	۳۰	۱۷
		درصد	۲۵/۳	۲۱/۰	۴۱/۸	۷/۶	۴/۳
	(۲) مسئولان مملکت دانش فنی مورد نیاز برای حل مشکلات امروز کشور را دارند.	فراوانی	۱۴۸	۱۲۳	۱۰۷	۱۱	۶
		درصد	۳۷/۵	۳۱/۱	۲۷/۱	۲/۸	۱/۵
	(۳) مسئولان مملکت می توانند برای مسائل مهم اجتماعی و اقتصادی که کشور با آنها مواجه است، تفاوت ایجاد کنند.	فراوانی	۱۲۵	۱۲۸	۱۱۷	۲۰	۵
	درصد	۳۱/۶	۳۲/۴	۲۹/۶	۵/۱	۱/۳	
رضایت از نهادهای سیاسی	(۴) مسئولین کشور معمولاً منافع شخصی و گروهی خود را بر منافع ملی ترجیح می دهند.	فراوانی	۵۴	۶۲	۱۶۶	۸۷	۲۶
		درصد	۱۳/۷	۱۵/۷	۴۲/۰	۲۲/۰	۶/۶
	(۵) مسئولین کشور تلاش خود را صرف حل مشکلات مردم می نمایند.	فراوانی	۵۸	۷۲	۱۷۳	۷۵	۱۷
		درصد	۱۴/۷	۱۷/۲	۴۳/۸	۱۹/۰	۴/۳
	(۶) در حال حاضر چه میزان از عملکرد قوه قضائیه در کشور رضایت دارید؟	فراوانی	۱۱۳	۱۱۶	۹۷	۵۶	۱۳
	درصد	۲۸/۶	۲۹/۴	۲۴/۶	۱۴/۲	۳/۳	
رضایت از نهادهای سیاسی	(۷) در حال حاضر چه میزان از عملکرد دولت در کشور رضایت دارید؟	فراوانی	۱۲۷	۱۳۳	۶۹	۵۵	۱۱
		درصد	۳۲/۲	۳۳/۷	۱۷/۵	۱۳/۹	۲/۸
	(۸) در حال حاضر چه میزان از عملکرد مجلس شورای اسلامی در کشور رضایت دارید؟	فراوانی	۹۶	۱۰۲	۸۹	۸۰	۲۸
		درصد	۲۴/۳	۲۵/۸	۲۲/۵	۲۰/۳	۷/۱
	(۹) در حال حاضر چه میزان از عملکرد نیروی انتظامی در کشور رضایت دارید؟	فراوانی	۳۸	۳۸	۶۸	۱۰۲	۱۴۹
	درصد	۹/۶	۹/۶	۱۷/۲	۲۵/۸	۳۷/۷	
رضایت از روش کار و قواعد نظام	(۱۰) در حال حاضر چه میزان از عملکرد شهرداری ها در کشور رضایت دارید؟	فراوانی	۱۳۸	۱۳۰	۶۷	۴۹	۱۱
		درصد	۳۴/۹	۳۲/۹	۱۷/۰	۱۲/۴	۲/۸
	(۱۱) افتخار می کنم تحت حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی هستم.	فراوانی	۷۵	۴۷	۱۱۱	۵۹	۱۰۳
		درصد	۱۹/۰	۱۱/۹	۲۸/۱	۱۴/۹	۲۶/۱
	(۱۲) من قانون اساسی جمهوری اسلامی را قبول دارم.	فراوانی	۵۶	۴۳	۹۷	۸۴	۱۱۵
	درصد	۱۴/۲	۱۰/۹	۲۴/۶	۲۱/۳	۲۹/۱	

ادامه جدول شماره ۳: توزیع فراوانی گویه‌های متغیر رضایت سیاسی

ابعاد	گویه‌ها	آماره	کاملاً موافق	موافق	بی‌نظر	مخالف	کاملاً مخالف
رضایت از روش کار و قواعد نظام	۱۳) جمهوری اسلامی ایران رژیم بر حق است.	فراوانی	۷۵	۴۶	۱۰۶	۶۱	۱۰۷
		درصد	۱۹/۰	۱۱/۶	۲۶/۸	۱۵/۴	۲۷/۱
	۱۴) جمهوری اسلامی در کنترل مسائلی نظیر فحشا و اعتیاد موفق بوده است.	فراوانی	۱۲۰	۱۰۹	۶۶	۷۰	۳۰
		درصد	۳۰/۴	۲۷/۶	۱۶/۷	۱۷/۷	۷/۶
	۱۵) جمهوری اسلامی در زندگی خصوصی مردم دخالت می‌کند.	فراوانی	۳۶	۶۴	۱۰۸	۹۶	۹۱
		درصد	۹/۱	۱۶/۲	۲۷/۳	۲۴/۳	۲۳/۰
	۱۶) جمهوری اسلامی توانسته است میان اقوام ایرانی اتحاد ایجاد کند.	فراوانی	۴۶	۵۳	۹۶	۱۵۵	۴۵
		درصد	۱۱/۶	۱۳/۴	۲۴/۳	۳۹/۲	۱۱/۴
	۱۷) جمهوری اسلامی در ایجاد امنیت موفق بوده است.	فراوانی	۳۸	۴۳	۴۹	۱۴۷	۱۱۸
		درصد	۹/۶	۱۰/۹	۱۲/۴	۳۷/۲	۲۹/۹
	۱۸) جمهوری اسلامی تاکنون در اجرای طرح هدفمندی یارانه‌ها موفق بوده است.	فراوانی	۱۲۵	۹۵	۱۰۴	۵۷	۱۴
		درصد	۳۱/۶	۲۴/۱	۲۶/۳	۱۴/۴	۳/۵
	۱۹) جمهوری اسلامی موفق شده وضع اقتصادی اقشار کم‌درآمد را بهبود بخشد.	فراوانی	۲۱۶	۹۶	۴۳	۲۷	۱۳
		درصد	۵۴/۷	۲۴/۳	۱۰/۹	۶/۸	۳/۳
	۲۰) در کل روند رشد اقتصادی در کشور رضایت‌بخش است.	فراوانی	۲۱۲	۸۳	۶۱	۳۱	۸
		درصد	۵۳/۷	۲۱/۰	۱۵/۴	۷/۸	۲/۰
	۲۱) اقدامات جمهوری اسلامی باعث دین‌دارتر شدن مردم شده است.	فراوانی	۱۸۴	۹۰	۶۹	۳۴	۱۸
		درصد	۴۶/۶	۲۲/۸	۱۵/۷	۸/۶	۴/۶
	۲۲) جمهوری اسلامی در خصوص مسئله حجاب عملکرد خوبی داشته است.	فراوانی	۱۴۴	۱۱۱	۷۹	۵۲	۹
		درصد	۳۶/۵	۲۸/۱	۲۰/۰	۱۳/۲	۲/۳
۲۳) سیاست ایران در قبال فلسطین درست است.	فراوانی	۱۳۳	۵۸	۱۰۶	۴۲	۵۶	
	درصد	۳۳/۷	۱۴/۷	۲۶/۸	۱۰/۶	۱۴/۲	

ادامه جدول شماره ۳: توزیع فراوانی گویه های متغیر رضایت سیاسی

ابعاد	گویه ها	آماره	کاملاً موافق	موافق	بی نظر	مخالف	کاملاً مخالف
رضایت از روش کار و قواعد نظام	۲۴) موضع فعلی ایران در قبال آمریکا (مبنی بر عدم رابطه) درست است.	فراوانی	۱۱۳	۶۴	۱۰۲	۵۳	۶۳
	۲۵) سیاست خارجی فعلی باعث افزایش اعتبار و عزت ایران در سطح جهانی شده است	درصد	۲۸/۶	۱۶/۲	۲۵/۸	۱۳/۴	۱۵/۹
		فراوانی	۱۲۸	۶۴	۱۰۴	۵۵	۴۴
		درصد	۳۲/۴	۱۶/۲	۲۶/۳	۱۳/۹	۱۱/۱

منبع: محقق ساخته

جدول شماره ۴ توزیع متغیر وابسته پژوهش (رضایت سیاسی) و هر یک از ابعاد آن را برحسب شاخص های توصیفی مرکزی نشان می دهد. نتایج حاصل از جدول ۵ نشان می دهد که میانگین به دست آمده میزان رضایت سیاسی شهروندان در بُعد کارگزاران سیاسی برابر ۱۲/۲۸، در بُعد نهادهای سیاسی برابر ۱۳/۰۳، در بُعد روش کار و قواعد نظام برابر ۴۰/۵۰ می باشد. این میانگین های واقعی در مقایسه با میانگین مورد انتظار برای مؤلفه های فوق به ترتیب برابر ۱۵، ۱۵، ۴۵ می باشد. می توان چنین استنباط کرد که میانگین رضایت سیاسی در همه ابعاد سه گانه پایین تر از میانگین مورد انتظار قرار دارند. لازم به ذکر است که میانگین مورد انتظار برای هر یک از ابعاد متغیر وابسته و کل آن از ضرب تعداد گویه های مربوطه در عدد ۳ که حد وسط پاسخ های پاسخگویان می باشد، به دست می آید.

جدول شماره ۴. توزیع متغیر رضایت سیاسی و هر یک از ابعاد آن برحسب شاخص توصیفی

نام متغیر	میانگین واقعی	انحراف معیار	میانگین مورد انتظار	کمترین	بیشترین
رضایت سیاسی	۶۵/۸۱	۳/۸۶	۷۵	۵	۲۵
کارگزاران سیاسی	۱۲/۲۸	۳/۷۰	۱۵	۵	۲۵
نهادهای سیاسی	۱۳/۰۳	۱۲/۱۱	۱۵	۱۵	۷۵
روش کار و قواعد نظام	۴۰/۵۰	۱۷/۱۹	۴۵	۲۵	۱۲۱

منبع: محقق ساخته

در جدول ۵ توزیع متغیر محرومیت نسبی و هر یک از ابعاد آن برحسب شاخص های توصیفی نشان داده شده است. این متغیر با استفاده از ۱۷ گویه در قالب طیف ۵ درجه ای لیکرت مورد سنجش

قرار گرفته است؛ به نحوی که به گزینه کاملاً موافق عدد ۵، گزینه موافق عدد ۴، گزینه بی‌نظر عدد ۳، گزینه مخالف عدد ۲ و گزینه کاملاً مخالف عدد ۱ تعلق گرفته است. نتایج حاصل از جدول فراوانی و درصد فراوانی هر یک از گویه‌های متغیر محرومیت نسبی نشان می‌دهد که چه تعداد و یا درصد از پاسخگویان به این گویه‌ها گزینه کاملاً موافق، موافق، بی‌نظر، مخالف و کاملاً مخالف را عنوان کرده‌اند.

جدول شماره ۵: ابعاد، شاخص‌ها و گویه‌های متغیر محرومیت نسبی

تعداد اصلی	گویه‌ها	آماره	کاملاً موافق			مخالف	کاملاً مخالف
			موافق	تاحدودی	مخالف		
مجموعه متغیر نسبی (انتظارات ارزشی)	۱) اعتراض و انتقاد از سیاستمداران کشور حق مسلم من می‌باشد.	فراوانی	۹۷	۲۲۳	۴۱	۱۱	۲۳
		درصد	۲۴/۶	۵۶/۵	۱۰/۴	۲/۸	۵/۸
	۲) شرکت در بحث‌های سیاسی برای من اهمیتی ندارد.	فراوانی	۴۷	۷۸	۱۰۹	۷۸	۸۲
		درصد	۱۱/۹	۱۹/۷	۲۷/۶	۱۹/۷	۲۰/۸
	۳) من باید بتوانم شکایت و نارضایتی خود را به گوش مسئولان برسانم.	فراوانی	۹۷	۲۲۸	۵۰	۷	۱۳
		درصد	۲۴/۶	۵۷/۷	۱۲/۷	۱/۸	۳/۳
	۴) سیاست را باید به اهل آن سپرد.	فراوانی	۲۴۳	۵۲	۵۷	۲۶	۱۷
		درصد	۶۱/۵	۱۳/۲	۱۴/۴	۶/۶	۴/۳
	۵) پرداختن به مسائل سیاسی برای من اهمیتی ندارد	فراوانی	۵۷	۷۸	۱۰۷	۷۸	۷۵
		درصد	۱۴/۴	۱۹/۷	۲۷/۱	۱۹/۷	۱۹/۰
	۱) حاکمان و مسئولان نباید در شیوه زندگی مردم دخالت کنند.	فراوانی	۱۵۰	۱۰۰	۷۶	۴۶	۲۳
		درصد	۳۸/۰	۲۵/۳	۱۹/۲	۱۱/۶	۵/۸
	۲) من معتقدم برای شرکت در هر فعالیت سیاسی باید از دولت مجوز گرفت.	فراوانی	۵۳	۷۰	۱۱۹	۷۷	۷۶
		درصد	۱۳/۴	۱۷/۷	۳۰/۱	۱۹/۵	۱۹/۲
	۳) من حق دارم با پوشش دلخواه در جامعه ظاهر شوم.	فراوانی	۱۴۶	۸۷	۵۹	۴۹	۵۴
		درصد	۳۷/۰	۲۲/۰	۱۴/۹	۱۲/۴	۱۳/۷
۴) ما باید در جامعه بدون دخالت دولت در مورد برگزاری جشن و عزاداری تصمیم بگیریم.	فراوانی	۱۱۳	۹۴	۹۱	۶۵	۳۲	
	درصد	۲۸/۶	۲۳/۸	۲۳/۰	۱۵/۶	۸/۱	

ادامه جدول شماره ۵: ابعاد، شاخص‌ها و گویه‌های متغیر محرومیت نسبی

بُعد اصلی	گویه‌ها	آماره	کاملاً		تاحدودی	مخالف	کاملاً مخالف
			موافق	موافق			
ابعاد ارزشی (۳)	۱) در جامعه ما اگر کسی علاقه داشته باشد به راحتی می تواند فعالیت سیاسی کند.	فراوانی	۳۹	۵۹	۱۰۷	۸۵	۱۰۵
		درصد	۹/۹	۱۴/۹	۲۷/۱	۲۱/۵	۲۶/۶
	۲) در جامعه ما امکان اعتراض به شخصیت‌های سیاسی در غالب طنز وجود دارد.	فراوانی	۶۰	۶۰	۸۷	۱۲۲	۶۶
		درصد	۱۵/۲	۱۵/۲	۲۲/۰	۳۰/۹	۱۶/۷
	۳) در جامعه ما شرایط به گونه‌ای است که برای شرکت در بحث‌های سیاسی باید محتاط بود.	فراوانی	۱۵۰	۱۳۵	۷۰	۳۰	۱۰
		درصد	۳۸/۰	۳۴/۲	۱۷/۷	۷/۶	۲/۵
	۱) در جامعه ما فرصت و امکان اعمال خشونت از سوی مسئولان و مردم عادی زیاد است.	فراوانی	۱۲	۴۶	۱۳۷	۱۰۴	۹۶
		درصد	۳/۰	۱۱/۶	۳۴/۷	۲۶/۳	۲۴/۳
	۲) در جامعه ما نمی توان بدون دخالت حاکمان به هر شیوه‌ای زندگی کرد.	فراوانی	۲۶	۵۰	۱۲۳	۱۰۰	۹۶
		درصد	۶/۶	۱۲/۷	۳۱/۱	۲۵/۳	۲۴/۳
	۳) در جامعه ما نزاع‌های سیاسی مردم را خسته و دل زده کرده است.	فراوانی	۱۰	۲۶	۵۹	۱۰۶	۱۹۴
		درصد	۲/۵	۵/۶	۱۴/۹	۲۶/۸	۴۹/۱
	۴) در جامعه ما نمی توان با هر پوششی در جامعه فعالیت کرد.	فراوانی	۱۶۸	۹۹	۶۳	۴۷	۱۸
		درصد	۴۲/۵	۲۵/۱	۱۵/۹	۱۱/۹	۴/۶
	۵) در جامعه ما، دخالت مسئولان در امورات محلی و شیوه زندگی مردم زیاد است.	فراوانی	۱۸	۵۷	۱۲۴	۸۶	۱۱۰
درصد		۴/۶	۱۴/۴	۳۱/۴	۲۱/۸	۲۷/۸	

جدول شماره ۶ توزیع محرومیت نسبی و هر یک از ابعاد آن را بر حسب شاخص توصیفی نشان می دهد. اطلاعات جدول شماره ۳ بیانگر آن است که میانگین میزان احساس محرومیت نسبی در بُعد انتظارات ارزشی (مشارکتی) برابر ۱۹/۰۸، در بُعد انتظارات ارزشی (امنیتی) برابر ۱۳/۹۵، در بُعد توانایی‌های ارزشی (مشارکتی) برابر ۹/۷۷ و در بُعد توانایی‌های ارزشی (امنیتی) برابر ۱۸/۶۱ است. این میانگین‌ها در قیاس با میانگین مورد انتظار برای مؤلفه‌های فوق به ترتیب برابر ۱۵، ۱۲، ۹ و ۱۵

است. می‌توان چنین برداشت کرد که میانگین محرومیت نسبی در هر چهار بعد، از میانگین مورد انتظار پائین تر است. میانگین محرومیت نسبی به طور کلی برابر ۶۱/۴۳ است. این میانگین در مقایسه با میانگین مورد انتظار (که برابر ۵۱ است) است در حد بالاتری است.

جدول ۶: توزیع محرومیت نسبی و هر یک از ابعاد آن برحسب شاخص توصیفی

نام متغیر	میانگین واقعی	انحراف معیار	میانگین مورد انتظار	کمترین	بیشترین
انتظارات ارزشی	۳۳/۰۳	۳/۳۳	۲۷	۹	۴۵
توانایی‌های ارزشی	۲۸/۳۹	۳/۱۴	۲۴	۸	۴۰
محرومیت نسبی	۶۱/۴۲	۶/۴۷	۵۱	۱۷	۸۵

منبع: محقق ساخته

۱- آزمون همبستگی پیرسون

در جدول شماره ۷ ماتریس ضریب همبستگی بین میزان محرومیت نسبی و رضایت سیاسی نشان داده شده است. بر اساس یافته‌های به دست آمده، محرومیت نسبی با رضایت سیاسی دارای رابطه معناداری است. به این معنا که با افزایش احساس محرومیت نسبی میان شهروندان، میزان رضایت سیاسی آن‌ها کاهش خواهد یافت. نتایج نشان می‌دهد که متغیر محرومیت نسبی در دو بُعد انتظارات ارزشی و توانایی‌های ارزشی با رضایت سیاسی به عنوان یک سازه کلی ارتباط مستقیم و معناداری دارد. هم‌چنین نتایج نشان می‌دهد که انتظارات ارزشی با رضایت سیاسی در بُعد کنشگران سیاسی ($r = -0/075$) و در بُعد نهادهای سیاسی ($r = -0/091$) رابطه معناداری را نشان نمی‌دهد اما در بُعد روش کار و قواعد نظام ($r = -0/242$) و در کل با رضایت سیاسی ($r = -0/207$) دارای رابطه معنادار منفی است. از طرفی توانایی‌های ارزشی با رضایت سیاسی در بُعد کنشگران سیاسی ($r = -0/248$)، در بُعد نهادهای سیاسی ($r = -0/233$)، در بُعد روش کار و قواعد نظام ($r = -0/312$) و در کل با رضایت سیاسی ($r = -0/326$) دارای رابطه معنادار منفی است. در کل می‌توان گفت بین محرومیت نسبی با رضایت سیاسی در بُعد کنشگران سیاسی ($r = -0/181$)، در بُعد نهادهای سیاسی ($r = -0/183$)، در بُعد روش کار و قواعد نظام ($r = -0/320$) و در کل با رضایت سیاسی ($r = -0/306$) رابطه معنادار منفی است.

جدول شماره ۷: ماتریس همبستگی بین میزان محرومیت نسبی و رضایت سیاسی

کل رضایت سیاسی	ابعاد رضایت سیاسی			ضریب همبستگی پیرسون	
	روش کار و قواعد نظام	نهادهای سیاسی	کنشگران سیاسی		
-۰/۲۰۷	-۰/۲۴۲	-۰/۰۹۱	-۰/۰۷۵	همبستگی	انتظارات ارزشی
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۷۲	۰/۱۳۸	معناداری	
-۰/۳۲۶	-۰/۳۱۲	-۰/۲۳۳	-۰/۲۴۸	همبستگی	توانایی های ارزشی
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	معناداری	
-۰/۳۰۶	-۰/۳۲۰	-۰/۱۸۳	-۰/۱۸۱	همبستگی	کل محرومیت نسبی
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	معناداری	

منبع: محقق ساخته

در ادامه به منظور بررسی فرضیه اصلی پژوهش یعنی تاثیر گذاری احساس محرومیت نسبی بر رضایت سیاسی، از مدل معادلات ساختاری استفاده شد. شاخص های کلی حاصل از برازش مدل معادلات ساختاری مربوط به فرضیه هشتم در جدول ۸ آمده است.

جدول شماره ۸: شاخص های کلی برازش تحلیل مدل معادلات ساختاری

شاخص ها	نام شاخص	اختصار	مقدار	برازش قابل قبول	وضعیت
شاخص های برازش مطلق	سطح تحت پوشش کای دو	Chi-Square	۳۳۲۶/۸۳	-	-
	شاخص نیکویی برازش	GFI	۰/۹۴	>۰/۹	مطلوب
	شاخص نیکویی برازش تعدیل شده	AGFI	۰/۹۴	>۰/۹	مطلوب
شاخص برازش تطبیقی	ریشه میانگین مربعات باقیمانده	RMR	۰/۰۳۶	>۰/۰۵	مطلوب
	شاخص برازش هنجار نشده	NNFI	۰/۹۱	>۰/۹	مطلوب
	شاخص برازش هنجار شده	NFI	۰/۹۱	>۰/۹	مطلوب
	شاخص برازش تطبیقی	CFI	۰/۹۶	>۰/۹	مطلوب
	شاخص برازش نسبی	RFI	۰/۹۴	>۰/۹	مطلوب
	شاخص برازش فزاینده	IFI	۰/۹۶	۰-۱	مطلوب

مطلوب	$>0/5$	۰/۵۷	PNFI	شاخص برازش مقتصد هنجار شده	شاخص برازش مقتصد
مطلوب	$<0/1$	۰/۰۸۸	RMSEA	ریشه میانگین مربعات خطای بر آورد	
مطلوب	مقداری بین ۳ تا ۱	۲/۲۹	CMIN	کای مربع بهنجار شده	

منبع: محقق ساخته

نتایج جدول ۸، گویای این مطلب است که شاخص‌های نسبت خبی دو به درجه آزادی CMIN/DF برابر با ۲/۲۹، شاخص برازش مطلق RMR کمتر از ۰/۰۵، شاخص‌های برازش تطبیقی CFI و IFI بیشتر از ۰/۹۰، و شاخص RMSEA برابر با ۰/۰۸۸ در سطح قابل قبولی قرار دارند، بدین معنی که مدل تحقیق دارای برازش مطلوبی است و ساختار عاملی در نظر گرفته شده برای آن قابل قبول است.

جدول شماره ۹: ضرایب رگرسیون و مقدار بحرانی برای فرضیه اصلی مقاله

مسیر	ضریب رگرسیون	مقدار بحرانی	خطای استاندارد	سطح معنی‌داری	وضعیت
محرومیت نسبی ← رضایت سیاسی	-۰/۵۸۴	-۵/۷۷۸	۰/۱۹۱	۰/۰۰۰	پذیرفته شد

منبع: محقق ساخته

در جدول ۹، ضرایب رگرسیونی به همراه مقادیر بحرانی برای فرضیه ی اصلی پژوهش آورده شده است. همانطور که مشخص است، ارتباط بین متغیرها، پذیرفته می شوند. با افزایش میزان محرومیت نسبی به مراتب، رضایت سیاسی در شهر اصفهان کاهش پیدا می کند. و نتیجه گرفته می شود که بین احساس محرومیت نسبی در بین جوانان و رضایت سیاسی آنها رابطه معناداری وجود دارد.

نتیجه گیری

بر اساس یافته‌های به دست آمده، محرومیت نسبی با رضایت سیاسی دارای رابطه معنادار منفی است. به این معنا که با افزایش محرومیت نسبی میان شهروندان، میزان رضایت سیاسی آنها کاهش می یابد. نتایج نشان می دهد که متغیر محرومیت نسبی در دو بُعد انتظارات ارزشی و توانایی‌های ارزشی با رضایت سیاسی به عنوان یک سازه کلی ارتباط مستقیم، معنادار و منفی دارد.

در بحث محرومیت نسبی، نتایج به دست آمده از این مطالعه با پژوهش های نظری پیشین ذکر شده، در مورد اینکه به طور کلی افزایش احساس محرومیت نسبی در بین افراد منجر به احساس نارضایتی، خشونت و اعتراض و.. می شود، همسو است.

نظریه پردازان محرومیت نسبی، مبنای کار خود را بر مفهوم مقایسه موقعیت فرد با موقعیت افرادی دیگر در سایر گروه ها و دسته های انسانی قرار داده اند. این نتیجه بر اساس دیدگاه کوزر^۱ قابل بحث می باشد. در این زمینه کوزر محرومیت نسبی را به سرخوردگی مربوط دانسته و از آن برای تبیین نرخ خودکشی استفاده کرده است. هم چنین مرتن^۲ این وضعیت را موجب گسیختگی فرد و اجتماع، دوری، بیگانگی و افراد از یکدیگر می داند. اعتماد نکردن به جوانان و عدم توجه به جایگاه آنان و نیز نادیده گرفتن درخواست های طبیعی و فطری آنها از مشکلات عمده می باشد و می تواند متقابلاً سبب ساز بی تعهدی و بی مسئولیتی جوانان در قبال جامعه شود. در واقع عدم توجه و احترام به رأی و اعتقادات جوانان، سهم نبودن آنان در تصمیم سازی ها و در نظر نگرفتن جایگاهی مناسب برای آنها جهت دخالت در مشارکت های عمومی، شخصیت جوان را متزلزل و ضعیف خواهد ساخت که در نهایت در وجود خود احساس مسئولیت نسبت به باورها و ارزش های جامعه نخواهد کرد. اعتماد به جوانان و کمک به کشف استعدادها و توانمندی های جوانان و به کارگیری آنها در امور و مسئولیتهای جامعه در زمان پیامبر (ص) نیز وجود داشته و از اصول یک جامعه اسلامی محسوب می شود. بنابراین باید در جامعه ما نیز فرهنگ سازی لازم انجام شود تا از یکسو خانواده ها و والدین در مسیر رشد فرزندان اهمیت ویژه و بجایی برای حضور و اثرگذاری جوانان نشان قائل باشند و از سوی دیگر سازمان ها و دستگاههای متولی امور جوانان در کشور نیز با برنامه ریزی صحیح و به کارگیری روش های نوین مشارکتی، حضور جوان در جامعه را پررنگ تر و با اهمیت تر کنند. از دید «تد رابرت گر» دانشمند معاصر آمریکایی در حوزه مطالعات اجتماعی، محرومیت نسبی افراد که در نتیجه آگاه شدن آنها نسبت به جایگاه و موقعیت نامطلوب خود در جامعه و نیز مقایسه و برآورد موقعیت شخص با سایر افراد است، می تواند بی تفاوتی اجتماعی را تقویت کند. در فضایی که فرد خود را محروم از شرایط مطلوب می داند احساس محرومیت، حقارت، ناامیدی و ناکامی و بی تفاوتی همزمان با هم رشد می یابد و در نهایت نوعی نارضایتی به همراه خواهد داشت. والتر لپمن^۳ روزنامه

1 . coser

2 . merton

3 . Walter lippmann

نگار، خبرنگار و مفسر سیاسی آمریکا در سده گذشته نیز معتقد بوده که اگرچه مشکلات و گرفتاری‌های مردم برای همدیگر توجه برانگیز است لیکن ما شاهد رشد نوعی رفتار فردگرایانه نسبت به مسائل اجتماعی در رفتار مردم هستیم که همین عامل مانع کنشگری جمعی می‌شود. پیشنهادهای اجرایی: ۱. از آنجا که بر مبنای فرضیه اصلی پژوهش محرومیت نسبی تأثیر معناداری در میزان رضایتمندی سیاسی جوانان دارد بنابراین پیشنهاد می‌شود که مسئولین و سازمان‌های مرتبط تمام توان خود را در راستای کاهش سرخوردگی اجتماعی و محرومیت به کار ببرند چرا که سرخوردگی اجتماعی نارضایتی سیاسی به بار آورده و منجر به بحران‌های سیاسی و اجتماعی می‌شود. بنابراین به مسئولین فضای مجازی پیشنهاد می‌شود به منظور فرهنگ‌سازی در زمینه کاهش حداکثری میزان نابرابری اجتماعی و محرومیت نسبی اولویت خود را در سازماندهی اطلاعات و دانش و آگاه کردن جامعه هدف از موارد سازنده مشارکت‌های اجتماعی در جامعه قرار دهند. پیشنهاد می‌شود این مطالعه با حمایت سازمان‌ها و ارگان‌های مربوطه در سطح وسیع‌تری استفاده گردد و نتایج آن در دستگاه حمایت‌کننده، اجرا و پیاده شود. همچنین پیشنهاد می‌شود در کنار متغیرهای مورد مطالعه، نقش عوامل دیگری مانند کیفیت زندگی، سبک زندگی نیز استفاده گردد؛ چرا که سبک زندگی و کیفیت زندگی مردم می‌تواند مؤلفه‌های بسیار مهمی در میزان مشارکت‌های اجتماعی و در نتیجه رضایتمندی سیاسی جوانان باشد.

منابع

الف- منابع فارسی

- احسانیان عربی، مجید (۱۳۹۲)، «عوامل مؤثر در اعتماد سیاسی در جمهوری اسلامی ایران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق علیه السلام، دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی.
- امام جمعه‌زاده، سید جواد و ابراهیمی، علی (۱۳۹۵)، «تحلیل جامعه‌شناسانه وقوع انقلاب اسلامی؛ با تأکید بر نظریه محرومیت نسبی تد رابرت گر و اندیشه‌های امام‌خمينی (ره)»، دوفصلنامه علمی پژوهشی دانش سیاسی، سال دوازدهم. شماره اول. بهار و تابستان ۱۳۹۵. پیاپی ۲۳. صص ۶-۲۷.

- ایمان، محمدتقی و منفرد، حسین (۱۳۸۵). «بررسی عوامل اجتماعی- اقتصادی موثر بر رضایتمندی سیاسی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز»، *مجله علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه شیراز*، دوره ۲۴، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۵ (پیاپی ۴۷)، صص ۲۵-۹.
- اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳)، *تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی*، ترجمه مریم وتر، تهران: کویر.
- باقری دولت آبادی، علی و شفیعی سیف آبادی، محسن (۱۳۹۸)، «عوامل موثر بر وقوع ناآرامی‌ها در کشور عراق (مطالعه‌ی موردی: ابعاد سیاسی، اقتصادی و اجتماعی اعتراضات سال ۲۰۱۹)»، *فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام*، سال هشتم، شماره ۳، صص ۱۱۰-۱۲۵.
- پای، لوسین (۱۳۷۰)، «فرهنگ سیاسی و توسعه سیاسی»، ترجمه‌ی مجید محمدی، نامه فرهنگ، صص ۳۷-۴۷.
- پناهی، محمد حسین و شایگان، فریبا (۱۳۸۶)، «اثر میزان دینداری بر اعتماد سیاسی»، *فصلنامه علوم اجتماعی*، شماره ۳۷، صص ۱۰۷-۸۳.
- تقوی، سید مهدی و خادمیان، طلحه و متقی، ابرهیم و شیرزاد، هادی (۱۳۹۹)، «تبیین جامعه‌شناختی اثر محرومیت اقتصادی و اجتماعی (محرومیت نسبی) بر گرایش به خشونت سیاسی شهروندان تهرانی»، *فصلنامه علمی مطالعات امنیت اجتماعی*، شماره ۶۳، صص ۷۱-۵۱.
- رستگارخالد، امیر و محمدی، میثم و اسماعیل بیگی، معصومه (۱۳۹۳)، «ارتباط احساس محرومیت نسبی با همبستگی اجتماعی بین جوانان شهر تهران»، *فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، دوره ۳، شماره ۳، پائیز ۱۳۹۳، صص ۴۹۵-۴۷۳.
- ساسانیان، سعید (۱۳۹۷)، «عملیات روانی سایت العربیه بر عرب‌های خوزستان با تمرکز بر احساس محرومیت نسبی رفاهی»، *فصلنامه آفاق امنیت*، سال ۱۱، شماره ۳۸، صص ۱۱۹.
- علیخواه، فردین (۱۳۸۷)، *احساس محرومیت نسبی و پتانسیل اعتراض سیاسی؛ مطالعه شهر تهران*، رساله دکتری، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده علوم اجتماعی.

- قبادی، مجید و جعفری، احمد (۱۳۹۳)، «رضایتمندی سیاسی - ملی در پهنه جهانی شدن بازکاوی تأثیر رسانه های فرامرزی و درون مرزی بر رضایت مندی سیاسی - ملی در عرصه جهانی شدن»، *فصلنامه مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی*، دوره ۵، شماره ۱۴، صص ۱۷۴-۱۴۳.
- قره داغی، معصومه و فریدی، محمد و صادقی گندمانی، مقصودعلی و کاظمی راشد، منیره (۱۳۹۷)، «واکاوی شورش های متقارن عصر نادری متأثر از احساس محرومیت نسبی»، *نشریه مطالعات تاریخ فرهنگی*، سال دهم، شماره ۳۸، صص ۱۵۵-۱۲۷.
- گر، تد رابرت (۱۳۸۸)، *چرا انسان ها شورش می کنند؟ ترجمه علی مرشدی زاده*، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- محمود اوغلی، رضا و اصغری نیاری، یعقوب (۱۳۹۷)، «احساس محرومیت نسبی در میان قوم بلوچ و تأثیر آن بر خشونت سیاسی»، *نشریه پژوهش سیاست نظری*، دوره ۱۰، شماره ۲۳، صص ۳۰۵-۳۳۶.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۱)، *درآمد نظری بر جنبش های اجتماعی*، تهران: معاونت پژوهشی امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی.
- نقیب زاده، احمد (۱۳۸۴). *درآمدی بر جامعه شناسی سیاسی*، تهران: نشر سمت.
- وبر، ماکس (۱۳۸۴) *دین، قدرت، جامعه*، ترجمه احمد تدین، تهران: نشر هرمس.

ب- منابع انگلیسی

- Alesina, A, & Wacziarg, R. (2000). "The economics of civic trust. Disaffected democracies: What's troubling the trilateral countries", 149-170.
- Anderson, C. J., & LoTempio, A. J. (2002). "Winning, losing and political trust in America". *British Journal of Political Science*, 32(2), pp: 335-351.
- Bretzer, Y. N. (2002). "How can institutions better explain political trust than social capital do?". In delivery at the XIII Nordic Political Science Association Meeting, August (pp. 15-17).

- Easton, D. (1965). *A systems analysis of political life*. New York, Wiley.
- Fahey, Tony (2010), "Poverty and the Two Concepts of Relative Deprivation, University College Dublin", available at:
<http://www.ucd.ie/t4cms/wp15%20fahey.pdf>.
- Grasso, M. T., Yoxon, B., Karampampas, S., & Temple, L. (2019). "Relative deprivation and inequalities in social and political activism". *Acta Politica*. (54),pp:398-429.
- Hardin, R. (2000). "*The public trust. Disaffected democracies: wha's troubling the trilateral countries*", 31-51.
- Holmberg, S. (1999). "Down and down we go: political trust in Sweden. Critical citizens: Global support for democratic government", *Oxford: Oxford University Press*.
- Lane, R. (1992). "Political culture: residual category or general theory?". *Comparative political studies*, 25(3), 362-387.
- Lipset, S. M., & Schneider, W. (1983). "The decline of confidence in American institutions". *Political Science Quarterly*, 98(3), 379-402.
- Mishler, W., & Rose, R. (2001). "What are the origins of political trust? Testing institutional and cultural theories in post-communist societies". *Comparative political studies*, 34(1), 30-62.
- Norris, P. (Ed.). (1999). "*Critical citizens: Global support for democratic government*". Oxford: Oxford University Press.
- Nye, J. S. (1997). "*Introduction: The decline of confidence in government. Why people don't trust government*", 1-18.
- Pettigrew, Thomas F. (2015), "Samuel Stouffer and Relative Deprivation", *Social Psychology Quarterly*, Vol. 78(1),pp:1-2.
- Pharr, S. J., Putnam, R. D., & Dalton, R. J. (2000). "*Introduction: What's troubling the trilateral democracies?. Disaffected democracies: what's troubling the trilateral countries?*"

- Richardson, Clare (2011), "*Relative Deprivation Theory in Terrorism: A Study of Higher Education and Unemployment as Predictors of Terrorism*", New York University, available: at: http://politics.as.nyu.edu/docs/IO/4600/Clare_Richardson_terrorism.pdf.
- Sadaf Farooq, Saiqa Bukhari & Manzoor Ahmed(2017). "Arab spring and theory of relative deprivation". *International journal of business and social science*. Vol.8, No. 1, 126- 132.
- Saha, Asoke Kumar (2011), "Fraternal Relative Deprivation of Hindus in Bangladesh in Relation to Social", Economic and Political Privileges, *Pakistan Journal of Social and Clinical Psychology*, Vol. 9.
- Shams, Simin and Bahman Gholami (2013), "Measuring the Rate of Relative Deprivation Feeling and Perceived Relative Deprivation of Youth with Emphasis on Religiosity Aspects and Their Role (A Case Study: Darrehshahr Payam-e-Noor University, Iran)", *International Research Journal of Applied and Basic Sciences*, Vol, 6 (10).pp:1515-1523.
- Tripathi, R. C., & Shrivastava, R. (1981), "Relative deprivation and intergroup attitudes", *European Journal of Social Psychology*, vol. 11,pp. 313–318.
- Tiraboschi, Mauro and Mass, Anna (1998), "Reactions to Perceived Deprivation in Ingroup and Outgroup: A Cross-Cultural Comparidion", *European Journal of Social Psychology*, Vol. 28.No.1,pp:9.
- Verba, S., & Almond, G. A. (1963). "*The civic culture: Political attitudes and democracy in five nations*. Princeton", NJ: Princeton University Press.
- Whitefield, S., & Evans, G. (1999)." Political culture versus rational choice: Explaining responses to transition in the Czech Republic and Slovakia". *British Journal of Political Science*, 29(1):129-154.
- Zhai, Y. (2016). "Remarkable economic growth, but so what? The impacts of modernization on Chinese citizens' political satisfaction". *International Political Science Review*, 37(4), 533-549.